



نقش قصه در ایجاد هویت اسلامی در کودکان

فاطمه امینی، حسین حسنعلی، مبینا امینی

چکیده

ادبیات و دین از مقوله هایی هستند که از آغاز آفرینش انسان تاکنون، همگام با یکدیگر، حیات و هستی بشر را درنوردیده اند. این پیوستگی دین و ادبیات، ریشه در پنهان جان و عمق هستی انسان و جهان دارند و با گوشدل می توان راز (فطره اهلل التي فطر الناس علیها) را از آنها باز شنید. بنابراین همچنان که دین، مقدس و متعالی است، ادبیات نیز ریشه در قداستها و تعالی جویی های انسان دارد. از سوی دیگر نثر و داستان از دیرباز، یکی از مهمترین و متداولترین شاخه های ادبیات به شمار می آمده اند. یکی از مصادیق بارز نثر، قصه است. قصه همواره منعکس کننده دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و همچنین وسیله انتقال و آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسلهای دیگر بوده است. با قصه نه تنها می توان انسان را با میراث فرهنگی و آداب جامعه خود و جهان آشنا ساخت و قدرت تفکر او را پرورش داد، بلکه می توان زمینه خودسازی و جامعه سازی را در او برانگیخت. این مقاله به بررسی تاثیر قصه های مذهبی در ایجاد هویت اسلامی در کودکان پیش دبستانی می پردازد. آموزش و ایجاد هویت دینی در کودکان در جامعه ای که انسان ها پیش از پیش به هویت دینی و عقاید آن نیازمند هستند امری مهم و ضروری است. براساس اصول تربیتی آموزش و ایجاد یک هویت باید از دوران کودکی فرد آغاز شود. سنین پیش دبستانی برای این منظور بسیار مناسب است. روش پژوهش در این مقاله به صورت کتابخانه ای بوده است و منابع آن از کتاب هایی که پیرامون مفاهیم دینی و آموزش آن به کودکان است می باشد. در این مقاله چنین نتیجه گرفته شد که قصه می تواند بهترین ابزار برای ایجاد یک هویت اسلامی برای کودکانی باشد که هنوز قادر به خواندن و نوشتن نیستند. نامأنوس بودن آموزش مفاهیم دینی با ذهن کودک، ارائه الگوهای دینی به کودک، ایجاد محبت نسبت به شخصیت های دینی، تهذیب اخلاق و عبرت آموزی و ... از جمله تأثیراتی هستند که قصه ها در کودکان ایجاد می کنند.

کلیدواژه ها: قصه، هویت، کودک



دین از گذشته های دور تاکنون، همگام با ادبیات و حتی بسی ژرفتر، هزار توی حیات بشر را درنور دیده، روح آدمی را صفا و صیقل بخشیده، راه ناهموار زندگانی را هموار کرده و دیده آدمی را از زمین خاکی به فراسوی هستی کشانده است. درطول تاریخ، این دو مقوله به راستی آن چنان درهم تنیدهاند که بازشناسی و بازآرایی آنها از یکدیگر ناممکن می نماید. شاید این پیوند از آنروست که دین و ادبیات، ریشه در پنهان جان و مایه در عمق هستی انسان و جهان دارند و با گوش دل می توان راز { فطره اهل التی فطر الناس علیها } را از آنها بازشنید. بنابراین همچنان که دین، مقدس و متعالی است، ادبیات نیز ریشه در قداستها و تعالی جو بی های انسان دارد. از سوی دیگر نثر و هنرهای داستانی از دیرباز، یکی از مهمترین و متداولترین شاخه های ادبیات به شمار می آمده اند و حتی با ظهور هنرهای جدید، هنوز هم از رونق نیفتاده اند. حتی می توان گفت که سینما، تئاتر و تلویزیون نه تنها با ادبیات سر ستیز نگذاشته اند، بلکه انواع فنون ادبی را به نیکوترین شکل به خدمت گرفته اند. آموزش و ایجاد هویت دینی در کودکان جز لاینفک فرهنگ های مذهبی در جهان امروز است. امروزه بسیاری از روانشناسان معتقدند که مذهب می تواند برای خردسالان با اهمیت باشد زیرا خردسالان بدون هرگونه ترس زندگی می کنند و به ممنوع های خود به ویژه پدر و مادرشان اعتماد دارند. آنها با این اعتماد محکم ناخودآگاه انتظار دارند که دنیا با همه موجودات مرئی و نامرئی اش طوری بگذرد که هیچ اتفاق بدی برای آنها نیفتد (پورشه، خلیلی، ۱۳۸۶).

براساس متون تربیتی آموزش و ایجاد هویت در کودکان باید از سنین خردسالی انجام گیرد چرا که در دوره بزرگسالی سرشت انسان سخت گردیده و کمتر تغییری در آن ایجاد می شود. برای ایجاد هویت دینی در کودکان راهکارهای مختلفی ارائه شده است که در این مقاله روش قصه گویی ئ تاثیر آن بر کودک پیش دبستانی مورد بررسی قرار می گیرد. عمر قصه و قصه گویی به اندازه عمر پیدایش زبان و گویایی انسان است. شرح جنگها و تکاپوهای پدران، قصه های مادران، قصه گویی هایی دربار پادشاهان و نقلی افسانه گویان و پردهخوانان نشان می دهد که زندگی انسان هیچگاه از { قصه } تهی نبوده است (پورخالقی چترودی، به نقل از حسینی ژرفا (قصه همواره منعکس کننده دیدگاه انسان درباره جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله انتقال آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ یک نسل به نسلهای دیگر بوده است. انسان به خاطر ویژگی های خاص روحی اش به قصه عاقله دارد و چه بسا راه و رسم قهرمانان آن را الگوی خود قرار می دهد (دیو بی چمبرز، 1366) پس با قصه نه تنها می توان انسان را با میراث های فرهنگی و آداب جامعه خود و جهان آشنا ساخت و قدرت تفکر او را پرورش داد، بلکه می توان زمینه خودسازی و جامعه سازی را در او برانگیخت (چترودی، به نقل از حسینی ژرفا بسیاری از نویسندگان و شاعران و عرفا نیز افکار خود را در قالب قصه بیان کرده اند (رهگذر، 1366). قصه هایی با مضامین مذهبی به عنوان یکی از مصادیق هنر و ادبیات، نقش مهمی در تربیت دینی کودکان دارد. به این صورت که قصه های قرآنی میتوانند با القای غیرمستقیم، شخصیت های مذهبی و دینی را به کودکان معرفی کرده و



کودکان را به آنان نزدیک کنند تا از آنان الگو بگیرند و رفتار خود را شکل دهند. بنابراین این نوشتار بر آن است تا تأثیر قصه را در تربیت دینی کودکان، به لحاظ روانشناختی مورد بررسی قرار دهیم.

سوال پژوهش

آیا قصه در انتقال هویت دینی به کودکان پیش دبستانی موثر است؟

اهمیت پژوهش

ایجاد هویت اسلامی در کودکانی که در یک جامعه اسلامی زندگی می کنند امری مبرهن و غیر قابل انکار است. هر فرهنگی از راه های مختلف سعی در ایجاد هویت خود در افراد فرهنگ های دیگر دارد. در این میان فرهنگ اسلام که جز بهترین و بزرگترین فرهنگ ها در طول تاریخ بشریت نیازمند آن است تا در افراد خود به نحو درست و منطقی ایجاد شود. ایجاد هویت در انسان از سنین کودکی راهی سهل تر نسبت به بزرگسالی است زیرا کودکان مانند کشتزاری هستند که هر چه در آن بخواهند می توانند بکارند. ایجاد هویت اسلامی از راه قصه می تواند راه مناسبی برای این منظور باشد. از جمله وسایل غیرمستقیم آموزش و پرورش که تأثیر بسیار زیادی در تربیت کودکان دارد، ادبیات کودکان است که امروزه بیش از هر زمان دیگری مورد توجه مربیان است و کشورهای معتقد به ارزش انسان و ضرورت تربیت مداوم در طول زندگی به ویژه در دوران کودکی و نوجوانی، فعالیتهای چشمگیری در گسترش ادبیات کودکان و نوجوانان دارند. وجود میل و نیروی کنجکاوی در کودکان برای کسب تجارب تازه، رهبری و تقویت نیروی اندیشه، آشنا ساختن غیرمستقیم کودک با دنیای خویش، رشد و گسترش رغبت های کودکان و راهنمایی خالقی کودکان مواردی هستند که اهمیت به کارگیری ادبیات کودکان را در تعلیم و تربیت آنان بیان می کنند (شعاری نژاد، 1374). در این پژوهش به نقش قصه در ایجاد هویت اسلامی پرداخته می شود.

تعاریف و اصطلاحات

الف. ادبیات کودکان

ادبیات کودکان به مجموعه آثار و نوشته هایی (کتابها و مقالات) گفته میشود که به وسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه میشود و در هم آنها ذوق و سطح رشد و پختگی کودکان مورد توجه است (شعاری نژاد، 1374).

ب. قصه و داستان قصه در لغت به معنای حکایت، داستان و سرگذشت آمده است (معین، ۱۳۷۵). قصه در اصطلاح، به سخن یا نوشته های گفته میشود که از روزگاران قدیم در آن شخصیت های گوناگون خیالی یا واقعی، ماجراهایی می آفرینند. قصه ها از روزگاران قدیم برای آموزش، انتقال تجربه ها و تاریخ قوم از نسلی به نسل دیگر پدید آمده اند شورای کتاب کودک، فرهنگ نامه ادبیات کودکان و



نوجوانان. امروزه در زبان فارسی گاه به جای داستان کوتاه یا به جای داستان نویسی، قصه نویسی می گویند (سعیدیان، 1363).

قصه و تاثیر آن بر کودک

داستان و قصه می تواند ارزش ها را در کودکان درونی کند ارزش هایی که منجر به ایجاد هویت اسلامی در آنها شود. باید برای کودکان داستان هایی از ارزش های مختلف اسلامی تعریف کرد. هر داستان ارزشی را عنوان می کند و مربی می تواند با گفتن داستان برای کودک ارزش مورد نظر را به او نزدیک تر کند. کولبرگ یکی از روانشناسان مطرح آمریکایی معتقد است اگر مسائل غامض اخلاقی و پاسخی که دیگران به آن مسائل میدهند بر اساس ساختار اخلاقی مناسب ارائه نشود، باعث تضاد شناختی و عدم تعادل در کودک می شود (گالور و برونینگ، 1386).

در بسیاری از موارد دانش آموزان مفاهیم جدید را به دانش فعلی خود نمی توانند ربط دهند. فعالسازی طرحواره های ذهنی از طریق قیاس، مثال، استعاره و قصه به دانش آموز کودک کمک می کنند تا اطلاعات جدید را با آنچه از قبل میدانند، ربط دهند. این درخواست از دانش آموزان که آنچه را درباره مفاهیم ذی ربط میدانند، توضیح دهند، روش خوبی برای کمک به آنها است تا میان اطلاعات جدید و قبلی پلی برقرار کنند. به علاوه اگر یادگیرندگان لغات لازم برای یادگیری مفاهیم جدید را در اختیار نداشته باشند، ابتدا باید زبان لازم را به ایشان آموخت؛ زیرا مفاهیم جدید بر روی مفاهیم قبلی ساخته میشود و در شبکه ای نردبانی سازمان مییابد که بین اجزای آن ارتباط وجود دارد. بنابراین به وسیله قصه می توان به صورت غیرمستقیم واژه ها و مفاهیم دینی را به کودکان آموخت و رشد شناختی و اخلاقی کودکان را در این زمینه افزایش داد. با توجه به مطالب ذکر شده، برای نوشتن قصه های دینی و مذهبی رعایت نکات ذیل ضروری به نظر می رسد. الف. واژه ها و اصطلاحات، متناسب با ذهن کودک باشد و از به کار بردن کلمات نامأنوس پرهیز شود؛ زیرا عدم رعایت این امر باعث بوجود آمدن خلاهای مفهومی در ذهن کودک می شود که نتیجه آن، برداشت نادرست از پیام قصه خواهد بود. ب. بهتر است رعایت ترتیب و توالی در قصه ها منطبق با اصول برنامه ریزی درسی صورت پذیرد. ج. شایسته است مربیان و والدین محترم، قبل از ارائه قصه، نظر مشاوران و کارشناسان تعلیم و تربیت را اخذ نمایند (گالور و برونینگ، 1386).

قصه ها کودکان را با واژگان، اصطلاحات، نام ها، ضرب المثله ها، و ... آشنا می سازند و از این راه علاوه بر ایفای نقش مهم و جدی در زبان آموزی، فرصت خوبی برای اصلاح لغزشها و اشکالات زبانی ایجاد می کنند. قصه ها به علت کشش، زیبایی و نقشی که در برانگیختن حس کنجکاوی دارند، می توانند بسیاری از مفاهیم را به کودکان منتقل کنند. همچنین با انتقال مفاهیم به روش غیرمستقیم، نه تنها باعث جذب بهتر و سریعتر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می شوند بلکه فهم آن را عینی تر و ساده تر میسازند. به همین دلیل قصه گویی از مهمترین و بنیادی ترین روش غیرمستقیم برای انتقال مفاهیم به دنیای مخاطبان به ویژه کودکان، به شمار می آید. مفاهیم ساده علمی، طبیعی و حتی مفهوم واژگان را توسط

قصه و گاه بدون نیاز به توضیح، می‌توان منتقل کرد. قصه برای پیشرفت بچه‌ها، مهارت‌های ادبی آنها، مهارت‌های شنیداری و مهارت‌های مربوط به ایجاد ارتباط آنها مفید است. با ظهور تلویزیون و کامپیوتر، بسیاری از ما استفاده از تخیلاتمان را متوقف کرده ایم؛ در حالی که قصه و قصه‌گویی به تخیلاتمان بال و پر می‌دهد (حنیف، 75).

روش‌های تاثیر گذاری قصه

- ارائه الگوهای دینی و قرآنی به کودکان یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت کودکان و نوجوانان {روش الگویی} است. در این روش فرد، از فرد یا افراد دیگر به عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند و تحت تأثیر مشاهده، از رفتار دیگران پیروی نموده و خود را با آن همساز می‌کند. بنابراین می‌توان گفت: الگو پیروی عینی و مشهود از یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون، جهت رسیدن به کمال است. تربیت ابتدایی انسان به طور طبیعی با الگو شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر اویند، الگوبرداری، و با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی اش سامان می‌یابد؛ از اینرو {الگو} در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک نقش به‌سزایی دارد. در واقع غریزه تقلید، یکی از غرایز نیرومند و ریشه‌دار در انسان است. به برکت وجود همین غریزه است که کودک بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز تکلم، ادای کلمات و جمله‌ها را از پدر و مادر و سایر معاشران فرا می‌گیرد و بکار می‌بندد. چشم و گوش کودکان و نوجوانان چون دریچه‌ای باز است، می‌بینند، می‌شنوند و ذهنشان چون آینه‌ای است که هر چیزی در آن منعکس می‌شود با این تفاوت که آینه، عکس اشیا را در خود نگه نمی‌دارد، ولی ذهن کودکان و نوجوانان اینها را در خود نگه می‌دارد. بنابراین والدین و مربیان می‌توانند فعالیتها و رفتارهای دینی و مذهبی خود را به گونه‌ای هماهنگ کنند که فرزندان متوجه شوند و الگوی ذهنی آنان را در انجام این امور شکل دهند. کودک، مقلد خوبی هست؛ به آسانی و بدون هیچگونه زحمت و مشقتی تنها از راه تقلید می‌آموزد. او می‌بیند، می‌شنود و پس از مدتی تکرار می‌کند. برخی پژوهشها نشان داده‌اند از سنین تشخیص یعنی حدود شش سالگی، پسران از پدران و دختران از مادران، تقلید می‌کنند و این تقلید در آنان ناآگاهانه است. کودک در مسیر رشد، از افراد بسیاری الگو می‌پذیرد و تحت تأثیر دیده‌ها و شنیده‌های بسیاری است. همه اطرافیان به گونه‌ای در او اثر می‌گذارند و الگوی کودکند؛ ولی والدین از همه آنها مهمتر و مؤثرتر هستند و این اهمیت و تأثیر در کودکان تا سنین نوجوانی همچنان تداوم دارد. چگونه الگوهای ارائه شده در قصه بر کودک تأثیر می‌گذارد؟ کودکان با خواندن قصه و داستان بین خود و قهرمان داستان یک نوع رابطه ایجاد می‌کنند و خود را به او نزدیک می‌نمایند؛ به گونه‌ای که از این رابطه احساس امنیت و آرامش می‌کنند. بنابراین اقدامات و اعمال قهرمان قصه به عنوان نکته‌های مورد قبول آنان واقع می‌شود و این اعمال را شایسته به کارگیری در رفتار و حرکات خود تلقی می‌نمایند، حتی به کارگیری این اعمال را نوعی ویژگی و افتخار برای خود می‌دانند. با توجه به اینکه ذهن کودکان



پاک است و از سوی دیگر همراهی با قهرمان قصه، باعث می شود که صفات و ارزشهای وی با روح و جان کودکان آمیخته شود؛ به همین علت است که وقتی قهرمان قصه، به علت خوبی و صداقت مورد حسد واقع می شود، آنان از خود واکنش نشان می دهند و در این مورد سؤالهای مکرر می کنند و سرانجام وقتی همین ویژگی، قهرمان داستان را نجات میدهد، عشق ورزی به این ارزشها، همچون بذری در نهاد آنان افشانده می شود و میل به گریز و پرهیز از کسانی که زشتی ها و بدی ها را منتشر می کنند، در وجود آنان بارور می شود. داستانهای تاریخی و مذهبی مملو از قهرمانهایی هستند که در میان مردمان تمام طول تاریخ هر یک در وجهی از شخصیت خود، نمونه و اعال هستند و از این باب، اسوه هایی مناسب برای تأثیرگذاری و یا عبرت گیری کودکان و نوجوانان به شمار میروند (سرشار، 1383).

کودکان و نوجوانان ضمن داستان و افسانهها، با حقایق و تجارب زندگی آشنا میشوند؛ شادی و غم، کامیابی و ناکامی، امیدواری و نومیدی، محرومیت، عدالت و عادل، علم و عالم، دموکراسی و استبداد و خالصه، هم رنگهای زندگی را تجربه و با آن آشنا میشوند. نقل حکایات، ذکر وقایع و حوادث و داستان سرایی از جمله هنرهای زیبا است که از کهن ترین هنرها در جهان به شمار می رود و بیش از سایر انواع هنر در پرورش کودک و انتقال تمدن، فرهنگ و اطلاعات آبا و اجداد به فرزندان موثر بوده است. افلاطون از نخستین کسانی است که اهمیت قصه برای کودکان و نوجوانان را دریافته است. او بخشی از کتاب مشهور خود «جمهوریت» را به بیان اهمیت قصه برای کودکان اختصاص داده است. افلاطون در این بخش می گوید: «باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته ایم برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورشی که روح اطفال به وسیله حکایات حاصل می کند، به مراتب بیشتر از تربیتی است که جسم آنها به وسیله ورزش پیدا می کند (رحماندوست، 1368).

داستان، یک معلم جذاب و دوست داشتنی است که کودک را با انواع فرهنگها و معرفتها آشنا می سازد و تجارب ارزندهای در اختیار او قرار می دهد. از بهترین عوامل تشویق کودکان به آموزش، دوست داشتن مدرسه است. داستان، کودک را به بیداری و دقت، تحمل و تأمل و کنترل فکر که همگی برای تحصیل (مدرسههای) رسمی (ضروری هستند، برمی انگیزد. داستان دارای آثار اخلاقی است و به طور غیرمستقیم به تربیت اخلاقی او کمک می کند. داستان و داستانی روحیه را تهذیب و عاطفه زیبادوستی کودکان را تغذیه می کند، بنابراین قصه و داستان فرصتی را فراهم می کند که کودک را از طریق محتوا و شخصیت داستان تأثیر قصه ها و داستانهای تاریخی و مذهبی در کودکان داستانهای تاریخی به کودکان کمک می کنند تا مفهوم بعد زمان را بهتر درک کنند. آنچه از ماجراها، آدمها، رسوم، سنتها، نحوه معیشت، زیست، جنگها، غمها، شادی ها، بیم ها و امیدهای انسانهای گذشته در تاریخ می آید، به کودک و نوجوان کمک می کند تا با تاریخ گذشته زندگی انسانها و مردم کشورش، نحوه زیست مردمان گذشته و تفاوت زندگی امروز خود با آنان، بهتر آشنا شود و دریابد که انسان در طول تاریخ زندگی خود، چه رنج ها برده و چه تلاش ها کرده تا توانسته است زندگی خود را به سطح امروزی آن برساند. بپخواهد برد که راحت و آسایش امروز او حاصل تالش و رنج مستمر و بی وقفه نسلهای بسیار، در طی قرون متمادی است. در



نتیجه، قدر واقعی زندگی کنونی خود را بهتر درک خواهد کرد و به طور متقابل خواهد کوشید تا در این حرکت بی سکون زندگی و جریان پیوسته کار و تلاش، او نیز سهم شایسته خود را برعهده گیرد و این کاروان عظیم را گامی به جلوتر حرکت دهد (سرشار، 1386).

نتیجه گیری

در تعلیم و تربیت، قصه گویی روشی است که به وسیله آن به طور غیرمستقیم در اعماق روح کودک و نوجوان تأثیر میگذارد. داستان نویسی و قصه گو، ضمن بیان وقایع مهم اقوام، ملل و شخصیت‌های مهم تاریخ، روح خواننده و شنونده را به همراه خویش تا عمق تاریخ می برد و الگوهایی را برایش مجسم میسازد تا از گفتار و رفتارشان سرمشق بگیرند و پیروی کنند. تأثیرات قصه و داستان، غیرمستقیم و نامرئی است. به طور غیرمستقیم راه را نشان می دهد و هدایت می کند، عبرت می دهد، موعظه می کند، تشویق می نماید، می ترساند، امیدوار می کند، همه اینها به طور غیرمستقیم القا میشود و به همین جهت پایدار خواهد بود. در واقع شنیدن قصه یکی از کارهای مورد علاقه کودکان و نوجوانان است. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می دهند و خود را در اختیار قصه گو قرار می دهند و به صورت غیرمستقیم تأثیرات لازم را می پذیرند. قصه، نه تنها پیام های مفیدی برای کودک دارد، بلکه اگر به گونه های جذاب و مناسب طراحی و بیان شود، کودکان می کوشند خود را با شخصیت های آن قصه همانند سازند.



منابع

قرآن کریم

- جان آی، گالور و راجراچ، برونینگ؛ روانشناسی تربیتی؛ ترجمه علینقی خرازی، تهران: مرکز

نشر دانشگاهی، 1386.

- جمعی از نویسندگان؛ مجموعه مقالات نماز و خانواده؛ جلد اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، 1386.

- حنیف، محمد؛ تعریف قصه گوئی؛ کتاب ماه) کودک و نوجوان(، شماره 75.

- دیویی، چمبرز؛ ثریا قزل ایاع، قصه گوئی و نمایش خالق؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1366.

- رحماندوست، مصطفی؛ ادبیات کودکان و نوجوانان ویژه مراکز و دانشسراهای تربیت معلم؛ تهران:

شرکت چاپ و نشر ایران، 1368.

- رهگذر، رضا؛ و اما بعد... حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، 1366.

- ژان پیاژه، پیرهانری سیمون؛ روانشناسی کودک و اصول تربیتی جوانان؛ ترجمه عنایتاهل شکبیا پور،

تهران: انتشارات نیما، 1383.

- سرشار، محمد رضا؛ داستانهای تاریخی مذهبی؛ نشریه راه مردم، 1383.

- سعیدیان، عبدالحسین؛ دایره المعارف ادبی؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، 1363.

- شعاری نژاد، علی اکبر؛ ادبیات کودکان؛ تهران: انتشارات اطلاعات، 1374.

- شورای کتاب کودک؛ فرهنگنامه ادبیات کودکان و نوجوانان، تهران: شورای کتاب کودک،

1376.

- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ ج 2، تهران: انتشارات امیرکبیر، 1375.

- مولوی، جلالالدین محمد؛ مثنوی و معنوی؛ تهران: انتشارات نگاه، 1368.